

## عنوان مقاله:

بررسی مناسبات مفاهیم سبک شناسی و تعیین جایگاه آن ها در هنرهای تجسمی

## محل انتشار:

فصلنامه پیکره، دوره 11، شماره 27 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسندگان:

مرتضی صدیقی فرد - کارشناس ارشد عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر، تهران، ایران

مهدی مقیم نژاد - استادیار گروه عکاسی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

## خلاصه مقاله:

بیان مسئله: اصطلاحات سبک شناسی مفاهیمی هستند که پیوسته در میان مباحث هنری مورد استفاده قرار می گیرند. مشابهت و نزدیکی معنایی این مفاهیم و همچنین عدم وجود یک مرزبندی صریح میان آن ها، زمینه ساز ایجاد نوعی درهم آمیختگی و آشفتگی مفهومی شده است. لذا تعیین جایگاه هر کدام از آن ها و نسبت شان با یکدیگر، هم به امر خوانش متون هنری و هم به درک جایگاه آثار و هنرمندان کمک می کند. هدف: این پژوهش با مرکزیت قرار دادن مفهوم سبک و بر اساس نسبت مفاهیم سبک شناسی دیگر با آن، به دنبال تبیین حد و مرز معنایی مفاهیم سبک شناختی است که دائم با یکدیگر اشتباه گرفته می شوند و به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند. روش پژوهش: منابع این پژوهش کتابخانه ای و روش ارائه آن توصیفی و تحلیلی است. با استفاده از منابع کتابخانه ای مفاهیم مشابه مفهوم سبک مورد بررسی قرار گرفته و رابطه بین آن ها و مفهوم سبک تعیین شد. یافته ها: این پژوهش با بررسی های صورت گرفته به این نتیجه رسید که مفاهیمی نظیر مکتب، جنبش، روش هنری، سبک بصری، فرم، محتوا، مد، تکنیک و ژانر دائما به صورت اشتباه به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرند. لذا با تبیین مفهوم دقیق هر کدام از این اصطلاحات و بررسی نسبت شان با مفهوم سبک، به این نتیجه می رسیم که سبک، ژانر و مد، روش های مختلف هنری هستند و هر کدام، بسته به رویکردی مختص به خود، تحت تاثیر مولفه ها و زیر شاخه هایی مثل تکنیک، فرم، محتوا و ... قرار دارند. افزون بر این مشخص شد که مکتب و جنبش اگرچه مرزهای مفهومی نزدیکی دارند، اما ریشه اصلی تمایز آن ها در مکانمندی شان است.

## کلمات کلیدی:

سبک شناسی، هنرهای تجسمی، سبک، مکتب، ژانر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1496582>

